

به گروگانگیری دولتی پایان دهید، سناریوی آدم ربایی‌تان رنگ باخته است!

ناهمصد شویم؛ بی‌صد خواهیم ماند!

امیرجواهری لنگرودی



یادداشت:

از دیدگاه هانا آرنت، قامت نظام اسلامی ایران و سر فرماندهی آنرا باید در هیکل توتالیتراریسم ایدئولوژیک دید. چرا که: «توتالیتراریسم با حکومت‌های استبدادی تفاوت دارد. حکومت توتالیتر خودکامه و غیرقانونی نیست، بلکه حکومت نوعی از قانون است. این حکومت‌ها مدعی‌اند از قانون طبیعت یا تاریخ اطاعت می‌کنند و هرگونه جایگاه برای اراده‌ی انسانی را رد می‌کنند. این قانون که پایه‌اش در ایدئولوژی است به دنبال آن است تا طبیعت انسان‌ها را تغییر دهد. در مقابل، نظام‌های استبدادی بی‌قانون هستند و در آن‌ها اراده‌ی خودسر حکومت می‌کند. حکومت‌های اقتدارگرا آزادی را محدود می‌کند؛ اما توتالیتراریسم به دنبال ابطال آزادی است. نظام توتالیتر طبقاتی و مبتنی بر منافع شخصی نیست، از این رو سریع منقرض می‌شود. دروغ‌گویی در مقیاس عظیم و دشمن‌تراشی لازمی جنبش توتالیتر است.» (۱)

در این میان برای سربه‌نیست کردن هر مخالفی تنها و تنها فرامین سرفرمانده‌ی قابل اجراست «کهنه پرستی و خرافاتی که فرد جبار با اتکای به آنها به جایگاه خدایی می‌رسد، از شرایطی برمی‌خیزد که نافی زندگی انسانی است که نمی‌گذارد مردم صاحب خود آگاهی و اتکاء به نفسی نقاد و جرات بخش شوند. تبعیضات اجتماعی و افتراقی که بین انسان‌ها وجود دارد، موجب وجود - بلکه بروز - فرآیندی است که جبار آفرین می‌شود. و به این ترتیب، وضعیت ظالمانه و غیرقابل بخشش، مکافات پس می‌دهند؛ وضعیتی که در آن توده عظیمی از انسان‌ها، به چنان پستی و فلاکتی گرفتارند که دیگر تاب تحمل بار شرافت و حفظ حرمت خود را نیز از دست داده‌اند.» (۲)

یک نکته روشن است؛ فرماندهی ما پیش و پس از کسب قدرت، به هر کس و ناکسی که طرف او را گرفت، همه نوع قولی را داد؛ مهم‌تر از همه آنکه وعده و وعید می‌دهد که دستگاه قدرت عظیمی برپا کرده، اداره‌ی آنرا به دست کسانی می‌سپارد که ضمن وفاداری، از وی اطاعت کنند. خلاصه‌ی کلام آنکه او وعده‌ی قدرت می‌دهد. ... اما پیروزی خیل عظیم مردمان جامعه‌ی ما برابر قدرت موجود "سلام فرمانده"، عمدتاً در کشاکش و طلب تغییری است که صورت پذیرد و بنیاد و اساس آنچه که پی ریخته شد را بر اندازد. و این تغییر و چگونگی تحقق‌اش، آن نکته‌ی قابل بحثی‌ست

که باید بدان پرداخته شود. باید به این پرسش پاسخ داد: هنجارشکنی و مقاومت پایان ناپذیر جنبش مطالباتی و فرافکنی و جباریت فرمانده برابر این خیل عظیم مقاومت و ایستادگی را چگونه می‌توان مورد چالش قرار داد؟!

امروز ما در زندان‌های ایران شاهد چه نوع کشاکشی هستیم؟

خبرهای رسیده از زندان معلمان و کارگران بیانگر آن است که دو سوی رابطه‌ی نابرابر، از یک طرف زندانبانان، بازجویان و شکنجه‌گران درکارند و از سوی دیگر استوانه‌های ایستادگی و مقاومت در سیمای فرهنگیان یعنی خانم‌ها مژگان باقری و هاله صفرزاده و ... آقایان: رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اسکندر لطفی، اسماعیل عبدی و ... عجیب آنکه مسعود نیکخواه و شعبان محمدی از زندان سنندج به زندان اوین تهران برای عملیاتی کردن سناریوی ساخته شده انتقال می‌یابند. کارگران زندانی و حامیان آنان همچون: ریحانه انصاری‌نژاد (فعال کارگری)، رضا شهابی و حسن سعیدی (از چهره‌های شناخته شده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران)، آنیسا اسدالهی، کیوان مهندی و سپیده قلیان از حامیان کارگران و ... در این مصاف نابرابر سهیم‌اند. هم اینان همچنان در زندان و زیر تیغ بازجویی مقاومت می‌کنند و روزگار می‌گذرانند و پا پس نمی‌نهند!

خبرهای منتشره درباره‌ی معلمان مؤید این است که حکم زندان پنج ساله‌ی رسول بدافی قطعی شده. رامین صفرنیا وکیل او خبر داده: «امروز [۱۱ خرداد ۱۴۰۱] حکم تجدید نظر موکلم رسول بدافی از شعبه‌ی ۳۶ دادگاه تجدید نظر ابلاغ شد. حکم بدوی تأیید گردید... بابت اجتماع و تباہی به مدت چهار سال حبس و فعالیت‌های تبلیغی به یک سال حبس، همچنین منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و استان‌های هم جوار به مدت دو سال محکوم شد.»

در باب جعفر ابراهیمی، بازرس شورای صنفی فرهنگیان کشور و محمد حبیبی، سخنگوی کانون‌های صنفی معلمان ایران در کانال تلگرامی کانون صنفی به «تداوم بی قانونی با وجود تأمین وثیقه‌ی ۷۰۰ میلیون تومانی از آزادی جعفر ابراهیمی!» اشاره شده و آمده: «قرار بازداشت جعفر ابراهیمی بدون زمان مشخص و به طور غیر قانونی تمدید شده است و با وجود اتمام بازجویی‌ها در هفته‌ی گذشته، مجدداً بازجویی از جعفر ابراهیمی به قصد فشارهای بیشتر روی این فعال خوشنام صنفی از سر گرفته شده است. در عین حال از شنبه هفتم خرداد تماس او با خانواده نیز قطع شده است» و درباره‌ی محمد حبیبی هم چنین آمده است: «علیرغم وعده‌ی بازپرس پرونده مبنی بر آزادی موقت محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان با تودیع قرار وثیقه، دیروز چهارشنبه ۱۱ خردادماه، قرار بازداشت وی به مدت یک ماه دیگر تمدید شد.»

یک شیق کار برای همه‌ی ما که پیگیر وضعیت زندانیان سیاسی یاد شده هستیم، روشن است و آن اینکه: مقامات امنیتی، قضایی و اجرایی حکومت از آنجا که از هرگونه پاسخ انسانی و مسئولانه نسبت به مطالبات برحق طبقه‌ی ما، معلمان و کارگران و بازنشستگان و دیگر مردم محروم و ستمدیده‌ی ایران ناتوان بوده و هستند، بیش از پیش به راه حل همیشگی‌شان، یعنی سرکوب، پرونده‌سازی، بازداشت، سناریو سازی و نشر و پخش اکاذیب و اتهامات نخ نمای امنیتی، متوسل شده‌اند. در سال جدید، از آستانه‌ی جرعه خوردن روز جهانی کارگر (یازدهم اردیبهشت) یک بار دیگر شاهد گسترش موج دستگیری فعالان زن، معلمان و کارگری و بازنشسته، دانشجویان و فعالین مدنی و هنری بوده‌ایم. همچنین در دل اعتراضات سراسری مردم زحمتکش و ستمدیده‌ی ایران علیه گرانی نان و دشواری چرخه‌ی زندگی، فساد، غارت اموال عمومی، بی‌عدالتی‌های لجام گسیخته و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، به ستیز با مردم به پا خاسته برآمدند. با فروریختن ساختمان دو قلوی متروپل آبادان و مرگ فزاینده‌ی عده‌ی زیادی در آن شهر و سلسله اعتراضات مردم آبادان و خطه‌ی استان خوزستان در همدردی با مردم آبادان، با همه‌ی قوای سرکوب از هر طرف، سرکوب‌های گسترده کماکان ادامه دارد و تعداد زیادی بازداشت شده، اخبار مربوط به آتش افروزی و پرتاب گاز اشک آور و آتشباری به‌روزی جوانان آن سامان توسط نیروهای انتظامی و امنیتی گزارش شده است. یک نکته روشن است و آن اینکه مطابق قوانین خود جانوران حاکم، تا به امروز هم هیچ خلافی صورت نگرفته و گروگانگیری دو فرانسوی و این پرونده سازی به نوعی فراربه جلو، برای نظام اسلامی بوده که به جای پاسخگویی به مطالبات، بهانه‌ی سرکوب آنها را جور کنند. سناریوی امنیتی نظام اسلامی را، باید در بستر چنین شرایطی مورد مطالعه قرار داد.

سناریوی نخ نمای بازوهای امنیتی رژیم اسلامی و روزی‌نامه‌ی کیهان شریعتمداری چگونه فراهم آمد؟

تا به امروز مشخص شده و دو فیلم مستند به نمایش درآمده در شبکه‌های سیمای رژیم، مؤید این موضوع است که بازوهای امنیتی با بزرگ نمایی مدعی بازداشت "براندازان" فرانسوی شدند که آنها را زیر نظر داشتند تا در لحظه‌ی موعود دستگیر سازند و این اتهام را به آنها زدند که این زن و شوهر سندیکالیست فرانسوی، سازماندهندگان اعتراضات یا برای سازماندهی این اعتراضات به ایران آمده بودند و در واقع سنگین‌ترین اتهامات امنیتی را نثار اینها کردند. پیشتر هم آوردیم: «خانم "سیسیل کولر" معلم و عضو اتحادیه‌ی معلمان فرانسه و از طریق سندیکایش عضو فدراسیون آموزش

بین‌المللی است. او در فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای اف او "FO" فعال است. همسرش آقای "ژاک پاری" نیز عضو سندیکای اف او "FO" و آموزگار است. فعالیت‌های اتحادیه‌ای این دو نفر در فرانسه را مصداق جاسوسی برای چهار فرهنگی (رسول بدایی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه) در تهران و همچنین رضا شهابی کارگر نام‌آشنای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و «تلاش برای ایجاد آشوب» و «بی‌ثبات‌سازی جامعه» عنوان کرده‌اند.... باید افزود: «خانم "کولر" از معلمان سرشناس فرانسه در حوزه‌ی فعالیت‌های سندیکایی و از اعضای برجسته‌ی فدراسیون آموزش این نهاد عضو رسمی سازمان بین‌المللی کار (ILO) است نهادی که یکی از مهم‌ترین وظایف آن، پیگیری اصلاحات آموزشی و رصد شرایط آموزش و پرورش کشورها به‌ویژه وضع معلمان است و هر دو تن "سسیل کولر" و "ژاک پاری" به گفته‌ی اتحادیه‌ی آموزشی و تحصیلی فرانسه، عضو این تشکل صنفی هستند و با هرنیتی که به ایران سفر کرده باشند، تنها برای «تعطیلات» به ایران سفر کرده بودند. (۳)

در واقع این زن و شوهر، خانم (کولر) و آقای (پاری) وابسته به یکی از سندیکاهای بزرگ یعنی FO (نیروی کارگری فرانسه) که سومین سندیکای فرانسه است، هستند. آنچه از خبرها برمی‌آید؛ اینها در ایران ملاقات‌هایی هم داشتند. چرا که خانم سسیل کولر، معلم است و چنین شخصیتی وقتی به کشوری می‌رود که جنبش معلمان در چنین وضعیت نابسامان و اوج اعتراضی قرارداد، خیلی طبیعی است که بخواهد با آنها وارد گفتگو و داد و ستد فکری بشود و از نزدیک شاهد دگر دیسی وضعیت همکاران خود گردند.

در این میان و قبل از هرچیزی، باید با صدای بلند اعلام کرد: این حق مسلم معلمان ایران و فعالان جنبش‌های کارگریست که با هم‌طبقه‌ای‌ها و هم‌سنگران و هم‌قطاران خودشان از بخش‌های سازمانیافته‌ی جنبش کارگری در کشورهای دیگر رابطه مستقیم و مداوم داشته باشند و هیچ دلیلی برای مخفی کردن این رابطه وجود نداشته و ندارد. ما طی این یک دهه‌ی گذشته تا به امروز «آمد و رفت فعالان کارگری به خارج از کشور و عمدتاً به فرانسه (پاریس) بوده‌ایم که بخشاً طی سال‌هایی به دیگر کشورها نیز سفر کردند. بیش از ده سال است که کلکتیو سندیکاهای فرانسوی، متشکل از پنج سندیکای این کشور از جمله: ۱- س. ژ. ت. (CGT)، ۲- س. اف. د. ت. (CFDT)، ۳- اف. اس. او. (FSU)، ۴- اونسا (UNSA) و ۵- سولیدر (Solidaires) که کلکتیو سندیکاهای را تشکیل می‌دهند در حمایت از مبارزات جنبش کارگری، برای آزادی کارگران زندانی و زنان، معلمان و دانشجویان و فعالان محیط زیست؛ همچنین دفاع از موجودیت و ارتقای سندیکالیسم مستقل در ایران به فعالیت مشغول است» و پیشتر از دو سفر کاک محمود صالحی، سفر آقای علی نجاتی، سفر آقای حسن سعیدی، سفر توامان آقایان رضا شهابی و داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و لقمان ویسی از انجمن صنفی معلمان مریوان آوردم و همچنین آقایان حسن سعیدی و سید رسول طالب مقدم، در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۷ به عنوان دو نماینده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در کنگره‌ی کنفدراسیون اتحادیه‌های بخش خدمات عمومی ترکیه کسک (KESK) شرکت کردند و همه و همه را آوردم (۴)

باری فعالان یاد شده به دعوت کلکتیو و اتحادیه‌های کارگری فرانسوی در حمایت از جنبش‌های کارگری ایران به فرانسه آمدند، با اینها دیدار و صحبت کردند. به همراه آنان به سازمان جهانی کار رفتند و درحاشیه‌ی اجلاس‌های آنها درباره‌ی وضعیت واقعی جنبش کارگری ایران و اوضاع حقوق بگیران ما صحبت کردند و مسایل دشوار خود را طرح کردند و این نه تنها هیچ اشکالی نداشت بلکه از وظایف هرفعال کارگری چه در ایران و چه در خارج از ایران است که از طریق این تبادل اطلاعات و ارتباطات امر آشنایی گسترده‌تر را بین یکدیگر فراهم آورند.

باید افزود، دیدار و شرکت در نشست‌ها و ملاقات در هر سطحی بین کارگران و معلمان، به‌مثابه حقی است که در مقاله نامه‌های سازمان جهانی کار (ILO)، با همه‌ی ساختار معیوبش - که چشم به دولت‌ها دارد - تاکنون مقاله نامه‌های زیادی را که همه‌ی آنها ارتباط با موازین اساسی حقوق بشر دارد، مورد تصویب قرار داده و الحاق خود را به آنها اعلام داشته است. کشور ایران، از بدو تاسیس سازمان بین‌المللی کار، یعنی از سال ۱۹۱۹ میلادی، عضو سازمان مزبور شد و در سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار هیئت نمایندگی کاملی از جانب ایران در کنفرانس بین‌المللی کار شرکت کرد و با تاسیس وزارت کار، روابط بین سازمان بین‌المللی کار و ایران به نحو گسترده‌تر و فعال‌تری ادامه یافت. بدین ترتیب دو نظام شاهی و شیخی، این مقاله نامه‌ها را امضاء و تأیید کرده‌اند و با صراحت اینگونه ارتباطات به رسمیت شناخته شده و هیچ اشکالی در ملاقات با سندیکالیست‌های فرانسوی در ایران و یا هرکجای دیگر جهان با یکدیگر وجود ندارد، ولو در شرایط اعتصاب یا در شرایط اعتراض خیابانی و غیره... بلکه برعکس در این مواقع است که اتفاقاً باید آنها را در جریان جاری و ساری وضعیت طبقه‌ی کارگر ایران قرارداد، یعنی باید با صراحت و صدای بلند و بدون هیچ هراس و اومه‌ای اعلام داشت: بله و بله بین ما ملاقات صورت گرفت و این ملاقات‌ها کاملاً طبیعی بوده که صورت بگیرد و بالاتر از آن، جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای سازمان جهانی کار است اما از به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و اجتماعی کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری و آزادی فعالیت آن‌ها برای مطالبات برحق کارگران و تهیدستان سر باز میزند و از مقررات و تصمیمات این سازمان نیز پیروی نمی‌کند. لازم به تأکید است که نمایندگان رژیم سرمایه‌داری

ایران که در سازمان جهانی کار حضور دارند، لذا هر سطح دیدار و ملاقات و مذاکرات کارگران در هر شرایطی، دردل مقوله نامه‌های مورد پذیرش سازمان نیم بند جهانی کار، به رسمیت شناخته شده و دولت ایران پای آن امضاء گذاشته است و بر همین پایه الان گوش تا گوش دیگر نمایندگان جهانی، فرستادگان نظام اسلامی از نمایندگان دولت و کارفرمایان و خود برگزیدگان قلابی مجلس و نمایندگان به اصطلاح کارگری در اجلاس جهانی امسال در یک ترکیب ۴۳ نفره حضور دارند. این جماعت نمی‌توانند نماینده‌ی منافع و مطالبات کارگران ایران باشند. جا دارد که با فشار مبارزه و اعتراض تشکل‌های کارگری در داخل ایران و در سطح جهان، این رژیم را به عقب‌نشینی در قبال مطالبه‌گری کارگران و فرودستان و ادار نمود و با اخراج نمایندگان قلابی رژیم، ساختار آنرا دستخوش تغییر نمود.

از همین زاویه باید از حق معلمان و کارگران زندانی و از حق خانم "سیسیل کولر" و همسر بازنشسته‌اش "ژاک پاری"، و نفس این ملاقات‌ها، قویا دفاع نمود و اجازه نداد که رژیم اسلامی یک تبادل نظر یا یک ارتباط عادی بین فعالان کارگری کشورمان اعم از معلمان و کارگران شناخته شده با سندیکالیست‌های فرانسوی را تبدیل به اتهام جاسوسی و یک امر امنیتی کند و به آن گرا بدهند و روزی‌نامه‌ی کیهان حسین شریعتمداری که همواره مترصد پرونده سازی برای هر کنشگر اجتماعی است، این سناریوی مسخره را خوراک خبرسازی روزی‌نامه‌ی خود کرده، مورد بهره برداری قرار دهد.

چرا سناریوی گروگان‌گیری سندیکالیست‌های فرانسوی استارت خورد؟

جمهوری اسلامی در حال دست و پا زدن برای غرق نشدن است. از اینرو تلاش می‌کند تا با تیرگی روابط و گروگان‌گیری برای خود امتیاز بخرد. یک نکته بر همگان روشن است و آن اینکه نظام اسلامی ایران، قانون‌مندی تشکل مستقل طبقاتی را از روز پایه گذاری‌اش تا به امروز برنتابیده، بلکه برعکس، شیوه سازمان‌یابی نظام اسلامی، بنا به آنچه در قانون کارش سیاه روی سفید آمده است؛ نادیده گرفتن حق تشکل مستقل و راه اندازی تشکل‌های خود ساخته مبتنی بر چهار شکل ۱- شوراهای اسلامی کار، ۲- انجمن‌های صنفی، ۳- نمایندگان کارگری و ۴- انجمن‌های اسلامی کارگران است. از چهارمی یعنی «انجمن‌های اسلامی» پس از دهه‌ی شصت، عملاً بساط زورآزمایی و مداخله‌گری شان در واحد‌های کارگری به نوعی برچیده شد. در عوض سه گانه‌ی موجود - که در بالا یاد کردم - هر یک باعث گردیده‌اند که در فاصله‌ی زمانی قبل از تصویب قانون کار و پس از آن، طبقه‌ی کارگر ایران عملاً نتواند به داشتن تشکل مستقل طبقاتی با شکل و محتوای یگانه‌ای خود برآید و آنرا به ابزاری نیرومند برای دفاع از منافع صنفی و طبقاتی خود سازمان داده و تجهیز کند، برعکس این ترکیب چند گانه، در طی تمامی چهاردهه حاکمیت ضد کارگری اسلامی ایران، در تمامی عرصه‌های کار و کارگری، موجب تفرقه و تشتت آرا در بین کارگران و لایه‌های گوناگون مزد و حقوق بگیران زحمتکش کشور ما شده است.

این مختصات آن نقطه‌گوری است که سازمان جهانی کار، با رسمیت شناختن دولت ایران، عملاً موقعیت مبارزه‌ی مستقل جنبش طبقاتی ایران را نادیده گرفته و از فراز و فرود آن بی‌خبر مانده است. راهیابی نمایندگان رسمی دولت در اجلاس سالیانه‌ی سازمان جهانی کار و دست‌یابی عوامل نظام در موقعیت ساختار موجود این سازمان جهانی، عملاً حلقه‌ی اصلی پیوند طبقاتی، طبقه‌ی ما را در گستره‌ی ارتباط‌گیری با متحدان جهانی‌اش قطع کرده است.

لاجرم اینجاست که الزام ارتباطات مستقل فعالان جنبش مطالباتی ما، موجودیت خود را در روابطی می‌بینند که در پیوند با کلکتیو سندیکاهای فرانسوی، متشکل از پنج سندیکای این کشور از جمله: ۱- س.ژ.ت (CGT)، ۲- س.اف.د.ت (CFDT)، ۳- اف.اس.او (FSU)، ۴- اونسا (UNSA) و ۵- سولیدر (Solidaires) که کلکتیو سندیکاها را تشکیل می‌دهند و پلانفرم سندیکاهای کارگری سوئد متشکل از: ۱- سازمان مرکزی کارگران سوئد، ال او ۲- سندیکای کارگران حمل و نقل سوئد ۳- اتحادیه فلز سوئد ۴- اتحادیه کمونال (شهرداریها) و ۵- اتحادیه سراسری معلمان سوئد، و دیگر مجامع کارگری در اروپا (نروژ - انگلستان - آلمان - دانکارک - سوئیس) و کانادا و استرالیا و... ارتباط برقرار نماید.

باید گفت: استوانه‌ی این پیوند طبقاتی را هیچ مانعی نمی‌تواند بگسلد، مگر گروگان‌گیری و همان غل و زنجیر - برگه‌های احضار، بازداشت، حمله‌های سبعانه شبانه و زندان و شکنجه، پرونده سازی و مستند سازی سوخته -، در برابر آنچه در صحنه آرایش مبارزات جاری جامعه ما طی سا‌های اخیر دیده می‌شود. تقویت همگرایی بازوی اتحاد و ساماندهی کارگری مبتنی بر قانونمندی‌های ضروری برای دفاع از منافع طبقاتی حول موضوعات حرفه‌ای و خواسته‌های مشترک طبقاتی برپایه یک مبارزه علنی و تقویت شبکه سازی‌ها بنا گذاشته می‌شود و لایه‌های گوناگون کارگران برای این مبارزه راهجویی‌های لازم را در هر شرایطی برای خود فراهم می‌آورند.

آنچه امسال و در آستانه‌ی برپایی اجلاس سازمان جهانی کار اتفاق افتاد، شبیه افسانه‌سازی بیمارگونه‌ی بازوهای امنیتی حکومت اسلامی است. به زبانی آنچه حادث شد، مرغ پخته را نیز در قابلمه به خنده وا می‌دارد؛ اینکه به دو سندیکالیست شناخته شده‌ی فرانسوی در فضای عمومی جامعه این اتهام را برنند که خانم "کولر" و همسرش "پاری" روز روشن به ایران آمدند تا تظاهرات معلمان را سازماندهی نمایند. "شورش" معلمان را راه اندازی کنند. چه کسی است که نداند

معلمان کشور ما بیش از دو دهه برای دست یابی به مطالبات خود با حاکمیت و دولت‌های چندگانه‌ی آن در حال مبارزه‌اند و تا به امروز چه هزینه‌های سنگینی متقبل شده‌اند؟! معلمان طی سال ۱۴۰۰ در صف نخست اعتراضات خیابانی بودند و بیش از ۱۱ حرکت اعتراضی را در بیش از ۲۰۰ نقطه در سطح استان‌ها و شهرستان‌های کشور سازمان داده‌اند. برگ برگ اسناد آن مکتوب و در سطح سایت‌ها، وبلاگ‌ها و تمامی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و بخشی حتی در سایت‌های خیرگزاری‌های دولتی نیز جای دارد و بایگانی شده است. به‌زبانی طی این سال‌های اخیر معلمان درخشان‌ترین مبارزات سراسری تاریخ مطالباتی جامعه‌ی ایران را به پیش برده‌اند، نکند خانم کولر و دوستانش و به همراه شوهر ایشان بودند که از راه دور و فاصله‌ی ۴۲۴۶ کیلومتری تهران تا پاریس، فرهنگیان ناراضی و مطالبه‌گر کشور ما را هدایت می‌کردند؟ و بالطبع از راه دور موفق هم نشدند که این هدایتگری و راهبری را جلو بیاورند، برآن شدند که بیانید و به صورت چترباز در فضای تهران رها گردند و رسول بدافی، اسکندرلطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی و رضا شهابی و حسن سعیدی و یاران او را به اعتراض، اعتصاب و سازمان‌گری وا دارند؟

این ادعاها بیشتر به شوخی و لودگی و بازی قمار نظام و سناریو نویسان آن شباهت دارد که نیروهای سرکوب و امنیتی در معیت فرماندهی پنهانشان سرهم کردند؛ حتی نمی‌شود روی آن مکتب نمود. ولی می‌بینیم که این سیاست توطئه در نهانخانه‌ی امنیتی جمهوری اسلامی پخته می‌شود و عمل گروگانگیری دو سندیکالیست فرانسوی را مرتکب شدند تا در روزمبادا از آن برای بهره برداری سیاسی دربازی دیپلماتیک خود سود برند ولی اینبار کُور خوانده‌اند و همه این رسوایی روی سرشان برگردانده خواهد شد!

درمقابل این گروگان‌گیری، باید نشان دهیم: معلم‌های سندیکالیست فرانسوی در زندان اوین ایران تنها نیستند!

درست در این شرایط باید با قاطعیت از حق دو سندیکالیست فرانسوی دفاع کرد و اجازه نداد که رژیم اسلامی و تمامی همپالگی‌های آنان یک تبادل نظرویک ارتباط عادی بین فعالان کارگری کشورهای مختلف را تبدیل به یک امر جاسوسی و یک امر امنیتی در بوق و کرنای خود کنند و به آن گرا دهند!

با تمام قوا باید در مقابل این نوع تبلیغات که توسط هر کس، هر گروه، دسته و حزب و سازمانی که صورت می‌گیرد، ایستاد و اجازه نداد که رژیم اسلامی، این سیاست گروگان‌گیری مفتضح خودش را باز هم ادامه دهد. با فریاد این حرف را به گوش تمامی شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی سازمان کاررساند که نمایندگانی گسیل شده از طرف جمهوری اسلامی باید، پاسخگوی این عمل شنیع آدم‌ربایی و گروگانگیری بازوهای امنیتی رژیم اسلامی ایران باشند!

باید با این عمل ضد تاریخی رژیم مقابله کرد و به بازجویان پرونده ساز آنان اجازه نداد به ادامه‌ی این سیاست گروگان‌گیری و پرونده سازی خودشان ادامه دهند. برای هر فعال مدافع حقوق کارگران مشخص است که امروز رژیم اسلامی در چه مخصصه‌ی آبرو باخته‌ای در سیستم قضایی جهانی گرفتار آمده است. آنچه به محاکمه‌ی «اسدالله اسدی»، دیپلمات ایرانی متهم به بمب‌گذاری و همدستان او در دادگاه بلژیک گذشت و محاکمه‌ی طولانی مدت حمید نوری (عباسی)، جانی دست‌اندرکار قتلعام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت در دادگاه استکهلم، که برپایه‌ی کیفرخواست دادستان‌ها و وکلای شاکیان و شاهدان برای او تقاضای اشد مجازات و حبس ابد را خواسته شده و واکنش تاکتونی دستگاه امنیتی ایران در برابر آن، جمهوری اسلامی را بدانجا کشانده که از کشورهای اروپایی گروگان‌هایی را برای روزمبادا در زندان‌های خود داشته باشند. گروگان‌گیری دو سندیکالیست فرانسوی را باید در دل چنین شرایطی سنجید. رژیم ایران در تلاش این است که همه‌ی کاسه و کوزه‌های بحران‌های آفریده شده در پهنه‌ی اقتصاد جامعه ایران از گرانی نان تا بیکاری گسترده، بحران کم‌آبی در استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان، حوادث پر شمار چین کار برای کارگران و رشد فزاینده حاشیه نشینی، عدم پاسخگویی به اعتراضات پیوسته بازنشستگان، دستگیری‌های هرروزه فعالان اجتماعی و فروریزی آوارسازه متروپل درآبادان و افزایش قیمت دلار به بالای ۳۰ هزار تومان را محصول اعتراض معلمان و کارگران و بازنشستگان و مال باختگان و بی چیزان جامعه و دخالتگری عوامل خارجی از جمله دو سندیکالیست فرانسوی و دیگران بشکند و آنان را به گروگان گرفته تا بتواند در معاملات پشت پرده‌ی خودش از این گروگان‌ها در سر بزنگاه سوءاستفاده نماید.

ما امروز در آستانه‌ی تجمع بزرگ اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو (سوئیس) ، باید نشان بدهیم که دو فرانسوی سندیکالیست خانم "سیسیل کولر" و شوهرش آقای "ژاک پاری" عضو سندیکای اف او "FO" نیروی کارگری فرانسه، که سومین سندیکای فرانسه است، در ایران تنها نیستند. همچنان که زنان، معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و پرستاران ایران تنها نبوده و نیستند. وطی سال‌های اخیر بخش سازمانیافته‌ی جنبش کارگری، مزد و حقوق بگیران کشورهای سرمایه‌داری، خاصه جامعه‌ی کشورهای اروپایی خاصه در سطح (فرانسه- سوئد- انگلیس- نروژ و ...) ، با همه‌ی این نیروهای مطالبه‌گر ما همدل و همیار و همراه هستند و از آنها و مبارزانشان دفاع می‌کنند. ما نیز با همه‌ی توان از حق مسلم این دو سندیکالیست زندانی و گروگان گرفته شده چه در ایران، چه در فرانسه، سوئد، کانادا، استرالیا و هرکجای دیگر که برای ملاقات با همکاران و همقطاران خود به تبادل نظر برآیند، قویا حمایت و پشتیبانی می‌کنیم.

نباید اجازه دهیم که نظام غارتگر اسلامی ایران، با امنیتی کردن این دیدارها، مشاوره، رایزنی، و یا با امنیتی کردن این ملاقات‌ها انگ "جاسوسی" و "براندازی" به آنان بزنند!

اینبار ما باید نشان بدهیم که سندیکالیست‌های فرانسوی زندانی در ایران، تنها نیستند و باید بی قید و شرط آزاد گردند. ما صدای آنها هستیم و از حق مسلم آزادی آنها دفاع می‌کنیم و اجازه نخواهیم داد که رژیم ضد امنیت اسلامی ایران، به آنها انگ "امنیتی" و "جاسوسی" و "شورش" بزند!

باید به خیابان روی آورد!

حاصل کلام آنکه، تجمع اعتراضی فعالان مدافع حقوق معلمان و کارگران و... فعالان کلکتیو سندیکاهای فرانسوی و همراهی سندیکایی سوئیسی به همراه نیروی وسیع فعالان اپوزیسیون چپ و دمکرات ایرانی روز **جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲** از ساعت ۱۲ صبح در مقابل کاخ ملل در ژنو پای صندلی شکسته در میدان ژنو صورت می‌گیرد. همچنین در سطح کشورهای مختلف اروپایی، استرالیا، کانادا و آمریکا فعالان نیروهای چپ و دمکراتیک، به اشکال گوناگون و همزمان با تجمع ژنو، در میدان شهرها، برابر سفارت خانه‌ها و با مراجعه به روزنامه‌ها و دفاتر اتحادیه‌های کشورهای میزبان، اعتراض یکپارچه‌ی خود به این گروگان‌گیری را اعلان می‌دارند.

فردای آن ما باید مجدداً و پیوسته و همبسته به خیابان بیاییم. به خیابان بیاییم تا بتوانیم برای شکستن این سناریو گروگان‌گیری و پرونده سازی برای معلمان و کارگران و فریاد اعتراض برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی سر دهیم. به خیابان بیاییم و در کنار هم باشیم تا از مبارزات همه‌ی نیروهای موجود در کف خیابان‌های ایران پشتیبانی قاطع نماییم.

ما باید به خیابان بیاییم و سناریوهای آدم ربایی را به درون جامعه‌ی میزبان ببریم و همگان را به اعتراض واداریم. فریاد بزنیم که رژیم اسلامی ایران راه هرگونه مذاکره و گفتگو و چانه زنی برای نهادهای مستقل مطالباتی و مبارزات آنها را ناممکن کرده است. برای مبارزان درون جامعه، یگانه راه همبسته شدن و یگانگی نیروهای مطالبه‌گر در کف خیابان است و برای ما که در این سوی جهانیم، قدرت همبستگی و همراهی نیروهای اپوزیسیون کلیت نظام و پشت کردن به کمک مداخله‌گری بیگانگان در حیات جامعه و اتکا به نیروی خود در مواجهه با دستگاه سرکوب نظام است.

فریاد اینکه ما خواستار آزادی فوری دو عضو سندیکای معلمان فرانسوی (خانم کولو و آقای پاری) هستیم که در ایران دستگیر و در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر می‌برند، خواست توامان همه‌ی فعالان اجتماعی در ایران و سراسر جهان است.

فریاد اینکه جای زنان کنشگر، دانشجویان، معلمان، کارگران، بازنشستگان و اقلیت‌های دینی و ملی در زندان نیست، یک شعار نیست، بلکه یک خواست پیوسته و همبسته‌ی همگانی جامعه‌ی ایران است. باید همه‌ی زندانیان عقیدتی و سیاسی بی‌قید و شرط آزاد گردند. پاسخ آن پرسش که در یادداشت آغازینم طرح کردم: «هنجارشکنی و مقاومت پایان ناپذیر جنبش مطالباتی و فراقکنی و جباریت فرمانده برابر این خیل عظیم مقاومت و ایستادگی را چگونه می‌توان مورد چالش قرار داد؟!» اینگونه است که باید همه‌ی ما دریابیم تا همصدا نشویم؛ بی صدا خواهیم ماند.

پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ برابر با ۰۹ ژوئن ۲۰۲۲

پیوست‌ها:

(۱) - پایگاه خبری و تحلیلی حقوق نیوز

<https://www.newslaw.net/%20%E2%80%8C%20.a275514>

(۲) - نقد و تحلیل جباریت، مانس اشپربر، ترجمه: کریم قصیم، ص ۱۳۱

(۳) - امیرجوهری لنگرودی - ویژه نامه، بیانیه‌های اعتراضی در رد سناریوسازی رذیلانه نهادهای امنیتی...

http://karegari.com/maghalat/2022/05/26/Vize%20_name%20_26%20Maj_AmiR.pdf

(۴) - امیر جوهری لنگرودی - بخش دوم؛ دیگه تمومه ماجرا، پنجشنبه ۰۲ ژوئن ۲۰۲۲

http://karegari.com/maghalat/2022/06/02/Bekhshe%20_2_Dege_Tamome_2Juni_2022_A_miR.pdf